

پژوهشی در اشعار فارسی تقریظات رشیدیه

مجتبی دماوندی*

سیاوش خوشدل*

چکیده

مجموعه رشیدیه، عنوان چهار کتاب از خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی است. تقریظات علمای عصر بر این مجموعه از حیث نکات تاریخی، زبانی و ادبی جالب توجه است. همچنین اشتراک موضوع نزدیک به صد مکتوب، این فرصت را فراهم می‌آورد تا بر اساس تفاوت‌های موجود در این تقریظات، به تحلیل و مقایسه عناصر بلاغی در آنها پرداخته شود. در این مقاله به جایگاه اشعار در این تقریظات پرداخته و بسامد بهره‌گیری از مضامین مختلف شعری در تقریظات سنجیده می‌شود. تحلیل محتوا و مضمون اشعار، نشانگر کارکرد و جایگاه شعر در این مکتوبات است. از ۷۲ تقریظ فارسی، در ۴۴ مورد از شعر بهره گرفته شده است. این اشعار در حدود ۲۳۰ بیت و تک‌مصراع هستند. شاعران تعدادی از اشعار شناخته شده‌اند. بسامد بالای بهره‌گیری از شعر برخی شاعران حاکی از اهمیت آنها در عصر تدوین اثر است. برخی اشعار نیز سروده نویسنده تقریظ است و نویافته محسوب می‌شود.

کلیدواژه‌ها: خواجه رشیدالدین فضل‌الله، مجموعه رشیدیه، تقریظات، اشعار نویافته

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۴ تاریخ پذیرش: ۹۶/۳/۲۲

* دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید بهشتی / dr.damavandi@yahoo.com

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید بهشتی / siavash.khoshdel@yahoo.com

مقدمه

تقریظات علمای عصر خواجه رشیدالدین بر مجموعه تفاسیر او، معروف به مجموعه رشیدیّه، از حیث نکات تاریخی، زبانی و ادبی جالب توجه است. اشتراک موضوع نزدیک به صد مکتوب، این فرصت را فراهم می‌آورد تا بر اساس تفاوت‌های موجود در این تقریظات، به تحلیل و مقایسه عناصر بلاغی، زبانی، فکری و فرهنگی در آنها پرداخته شود. به شیوه منشآت قرن هفتم و هشتم، آوردن اشعار عربی و فارسی در این رسالات نیز متداول است. بررسی این اشعار از چند منظر مهم است:

نخست: برخی از نویسندگان این تقریظات، به مناسبت، شعری هم سروده‌اند و اشعار باقی مانده از آنان به عنوان سروده‌های شاعران بی‌دیوان این عصر ارزشمند است.

دوم: از میان نویسندگان این تقریظات، هم‌ام‌الدین تبریزی (۶۳۶-۷۱۴ق) شاعری است که از او دیوان شعری به جای مانده است.

سوم: برخی ابیات از شاعران دیگر تضمین شده‌اند؛ بسامد این اشعار می‌تواند بیانگر میزان شهرت و محبوبیت هر یک از این شاعران در زمان نگارش تقریظات باشد.

در این پژوهش، مجموعه اشعار به کار رفته در تقریظات دسته‌بندی شده و مورد تحلیل مضمونی قرار گرفته است. این تحلیل نشان می‌دهد که کارکرد اشعار در این نوع به خصوص از متن چیست. دسته نخست موارد موجود در دیوان‌ها و منظومه‌هاست. دسته دوم اشعار نویافته بلند و نیمه‌بلندی است که برخی قطعاً (به تصریح نویسنده در متن تقریظ) و برخی به احتمال زیاد (بر اساس قرائن موجود در شعر) از نویسنده تقریظ است. دسته سوم شامل تعداد قابل توجهی تک‌بیت، تک‌مصراع، دو بیت یا سه بیت است که اشعار مستقلی نیستند و در متن، به عنوان تکمله یا مقدمه‌ای برای عبارات پیش یا پس از خود، به کار گرفته شده‌اند. در پایان، اشعار نویافته مستقل و اشعار نقل شده از شاعران پیشین به طور کامل نقل شده است.

از آنجا که تقریظات علما بر مجموعه رشیدیّه تصحیح و چاپ نشده، درباره محتوای آنها نیز پژوهش مستقل و جامعی صورت نگرفته است. در معرفی نسخه‌ها، به وجود این تقریظات اشاره‌ای گذرا شده است (دانش‌پژوه، ۱۳۴۸: ۱۵۶، ۱۷۵ و ۳۷۶). مفصل‌ترین آنها یکی ذکر نام ۱۰۲ نفر نویسنده تقریظ در معرفی نسخه شماره ۱۸۸ دانشکده ادبیات دانشگاه

تهران موسوم به «منشآت» در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده ادبیات است (دانش پژوه، ۱۳۳۹: ۴۸۵-۴۸۱) و دیگری مقدمه هاشم رجبزاده بر توضیحات رشیدی است که ضمن اشاره‌ای گذرا به این تقریظات، بیست‌وهشت بیت از یازده تقریظ در وصف خواجه رشیدالدین فضل‌الله به عنوان نمونه ذکر شده است (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۹۴: ۱/ شصت‌وشش - هفتاد).

معرفی اجمالی مجموعه رشیدیه و تقریظات:

مجموعه رشیدیه در بردارنده چهار کتاب از خواجه رشیدالدین فضل‌الله است، به این شرح:

- ۱- توضیحات، مشتمل بر دیباچه و نوزده رساله
 - ۲- مفتاح التفاسیر، مشتمل بر هشت رساله در دو فصل
 - ۳- سلطانیه که به اصل و ذیل تقسیم می‌شود
 - ۴- لطائف الحقائق، مشتمل بر مقدمه و چهارده رساله
- تقریظات علما در آغاز مجموعه، در چهار نسخه خطی فارسی موجود است که به اختصار به معرفی آنها پرداخته می‌شود:

- در نسخه شماره ۳۴۱۵ کتابخانه نور عثمانیه از کتاب سلطانی (تاریخ مبارک غازی) (میکروفیلم شماره ۴۸۷ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران)، ۸۲ تقریظ از پشت برگ ۳۳ تا روی برگ ۱۲۲ موجود است. این نسخه ۴۵۸ برگ دارد و به خط نسخ است. هر صفحه ۱۹ سطر دارد. تاریخ کتابت آن ۷۱۲ق ثبت شده است.
- نسخه خطی شماره ۱۸۸ دانشکده ادبیات دانشگاه تهران که با نام «منشآت» فهرست شده، حاوی ۶۱ تقریظ است. این مجموعه ۱۲۱ برگ دارد و شامل تعدادی رساله و نامه است. بخش اعظم این مجموعه به همین تقریظات اختصاص دارد؛ از پشت برگ ۱۹ تا روی برگ ۹۳ را شامل می‌شود. نسخه به خط نسخ است و هر صفحه ۲۱ سطر دارد. علامه قزوینی، به قرینه ذکر نام شاه شجاع، تاریخ کتابت آن را پس از ۷۶۰ق دانسته است (به نقل از دانش پژوه، ۱۳۳۹: ۴۸۸).
- در نسخه خطی شماره ۲۲۱۷ کتابخانه ملی پاریس، از کتاب لطائف الحقائق (میکروفیلم شماره ۹۸۰ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران) تعداد ۸۳ تقریظ گردآوری شده است. نسخه ۱۹۲ برگ دارد. تقریظات از پشت برگ ۱۸ آغاز می‌شود و تا روی برگ ۸۵ را شامل می‌شود. هر صفحه ۲۱ سطر دارد. این نسخه فاقد تاریخ است.

- در نسخه خطی شماره ۳۸۳۳ کتابخانه ایاصوفیا از لطائف الحقائق (میکروفیلم شماره ۴۱۲ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران) ۵۲ تقریظ موجود است. این نسخه ۲۰۲ برگ و هر صفحه آن ۲۵ سطر دارد. تقریظات از پشت برگ ۱۳ آغاز می‌شود و در پشت برگ ۵۵ خاتمه می‌یابد. این نسخه نیز فاقد تاریخ کتابت است.

خواجه رشیدالدین فضل‌الله، در توضیح کوتاهی که در آغاز این مجموعه نوشته، مدت زمان تألیف این چهار اثر را کمابیش یک سال ذکر کرده است. سپس تصریح می‌کند که هر یک از افاضل و اکابر حکماء عصر که این کتب را مطالعه کرده بوده‌اند، بر آن فصلی نوشته‌اند. او این نوشته‌ها را دارای فواید بسیار می‌داند و از این رو آنها را در آغاز کتاب‌های چهارگانه قرار می‌دهد. متن مقدمه خواجه رشیدالدین فضل‌الله که در معرفی این مجموعه حائز اهمیت است، ذیلاً نقل می‌شود:

بسم الله الرحمن الرحيم

«إِنَّ هَذِهِ تَذَكُّرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَيَّ رَيْبَهُ سَبِيلًا» اما بعد؛ حمداً لله تعالى و الصلوة و السلام على نبيه محمد و آله و صحبه أجمعين؛ چنین گوید ضعیف‌ترین خلائق و محتاج‌ترین به رحمت حق، جل و علا، فضل‌الله بن ابی‌الخیر المشتهر بالرشید الطیب، ختم‌الله له بالحسنى، که فضل و کرامتی که حق تعالی در حق این بنده ضعیف کرده، عظیم بسیار است و در شمار نتواند آورد و از آن جمله یکی آنک توفیق رفیق گردانید، تا با وجود استغراق به اشغال بسیار، به موجبی که در متن این کتب به هر موضع یاد کرده، شروع نمود و در بعضی اوقات از شب پیش از صبح، در کمابیش مدت یک سال، این چهار کتاب را که در مجموعه جلد کرده شد، تصنیف کرد و گفت:

شعر

فكانت بالعراق لنا ليال
شرفناهن من ريب الزمان
وجعلناهن تاريخ الليالي
وعنوان المقاصد والأمانی

و چون احوال و کیفیت و سبب شروع در هر یک از آن، در ضمن هر کتابی و رسائلی که در آن مندرج است، به شرح یاد کرده شد، اینجا مکرر نمی‌گرداند و هر چند این کتب را هر یک علی‌الانفراد در مجلدهی نوشته، خواست که آن را در یک مجلد جمع کرده، بنویسد و جهت یادگار آن را وقف کند تا در قبه ریشیدی بر سر تربت این ضعیف نهاده باشد و دوستانی که آنجا رسند، به هر وقت مطالعه

کرده ما را یاد کنند، و اگر خواهند که از آن نسختی گیرند، قطعاً از ربع رشیدی بیرون نبرند؛ هم در آنجا نسخت گیرند و این نسخه را بر سر تربت بگذارند. و چون جهت آنک تا هم مستعربان را و هم فرس را از آن فایده باشد، این کتب را هم به عربی و هم به فارسی نوشته شد و وقف قبّه مذکور کرده آمد و همچنین از هر یک از آن کتب، مفرد مفرد نسختی عربی و نسختی فارسی نوشته شد و وقف قبّه مذکور کرده، وقفی مؤبّد مخلّد که «لایبغ و لایوهب و لایورث» إلى أن یرث الله الأرض ومن علیها وهو خیر الوارثین، باید که فرزندان که متولّی ربع رشیدی باشند، چون به مرور ایّام این نسخه کهن و نامقروء گردد، عوض آن بر همین منوال، به خطّی خوب، به همین ترتیب و تهذیب و تذهیب بنویسند و مقابله کرده و مصحّح گردانیده، با این مجموعه کهن شده بر سر تربت بنهند تا فایده آن منقطع نگردد و دائم باشد إن شاء الله تعالی. و چون اکابر افاضل و حکماء عصر که این کتب را در مطالعه آورده بودند، هر یک از کمال کرم و لطف جبلی و وفور علم و فرط فضایل بی پایان خویش فصلی نوشته، بعضی در اوّل و بعضی در آخر و این ضعیف را سرافراز و این کتب را مزین گردانیده و این سخنان لطیف و عبارات ایشان هر یک با فایده تر از مجلّدی کتاب تواند بود و مطالعه کنندگان را از آن فواید بسیار. بدان سبب واجب دید که بر همان موجب، سخن آن بزرگان در اوّل این مجموعه نوشته باشد، بعد از آن در نوشتن کتب شروع رود؛ والله الموفق المعین.

نویسندگان تقریظات اغلب از قاضیان و حکما و مشایخ هستند. خلاصه کلام هر تقریظ، تأیید ارزش و اعتبار مجموعه تفاسیر و تمجید از مقام نویسنده آنهاست. گردآوری این مکاتیب در تأیید ارزش و اعتبار اثر خواجه رشیدالدین، واکنشی است به دشمنی رقیبان خواجه که اسلام او را ریایی می خواندند.

دشمنان سیاسی رشیدالدین برای خوارکردن وی در چشم مردم، سعی داشته اند که اسلام او را ظاهری و ریایی جلوه دهند. در رأس آنان، رقیب سیاسی او سعدالدین ساوجی و اطرافیانش بوده اند. سعدالدین که با رشیدالدین در وزارت شرکت داشت، شیعی مذهب بود و رشیدالدین سنی شافعی (رجب زاده، ۱۳۷۷: ۱۰۷). ... فقط دشمنان رشیدالدین و کسانی که به یهودی بودنش متهم کرده اند، او را رشیدالدوله نامیده اند... موافقانش که اسلام وی را حقیقی دانسته اند، همه او را «رشیدالدین» یا «رشیدالدوله و الدین» خوانده اند (رجب زاده، ۱۳۵۵: ۸۱).

در واقع این تقریظات در حکم فتوایی در تأیید نوشتن تفسیر قرآن برای خواجه رشیدالدین فضل‌الله است. با توجه به این زمینه تاریخی، بررسی جنبه‌های بلاغی این تقریظات، با توجه به موضوع و نیز وحدت موضوع آنها، حائز اهمیت است. یکی از این جنبه‌ها، کارکرد اشعار است.

تعداد و پراکندگی اشعار در مجموعه تقریظات

در چهل و چهار مورد از هفتاد و دو تقریظ فارسی، اشعاری نقل شده است. در این تقریظات، نود و چهار مصراع، تک‌بیت، رباعی، دوبیتی، قصیده، قطعه یا بخشی از یک مثنوی، قطعه یا قصیده، همه به فارسی، نقل شده است. این تعداد شامل دو بیست و بیست و نه بیت و پنج مصراع است (این عدد، با احتساب چهار بیت تکرار شده است). در چهل و نه تقریظ فارسی، از اشعار عربی نیز بهره گرفته شده است. صد و چهار مورد به صورت یک مصراع، تک‌بیت یا چند بیت عربی نقل شده است. این تعداد شامل صد و پنجاه و هفت بیت یا مصراع است. در سیزده تقریظ از شعر استفاده نشده است. در شانزده تقریظ فقط از شعر عربی، و در یازده تقریظ فقط از شعر فارسی استفاده شده است. در سی و دو تقریظ هم شعر فارسی و هم شعر عربی به کار رفته است.

قالب‌های اشعار فارسی

- از مجموعه ابیات، پنجاه و یک بیت در قالب قصیده است. از این میان، یک قصیده بیست و شش بیتی در تقریظ کمال‌الدین زنجانی (زنده در ۷۰۶ق) و سروده خود اوست. باقی ابیات، از یک بیت گرفته تا هفت بیت، بخشی از یک قصیده هستند.
- سی و هشت بیت و یک مصراع در قالب غزل هستند، که از میان آنها یک غزل شش‌بیتی در تقریظ زین‌الدین محمد بن محمد کیشی قرشی (زنده در ۷۰۶ق) و از خود اوست. دیگری، غزلی نه‌بیتی در تقریظ شمس‌الدین محمد مستخرج تبریزی (زنده در ۷۰۶ق) است و از محتوای آن چنین برمی‌آید که سروده نویسنده تقریظ است. در تقریظ محمد بن عبدالله هاشمی قزوینی (زنده در ۷۰۶ق) نیز غزلی هشت‌بیتی آمده که از خود

اوست. غزل هفت‌بیتی در تقریظ محمّدبن محمودبن ابی‌بکر استرآبادی (زنده در ۷۰۶ق)، قاضی ری، نیز از نویسنده تقریظ است. شش بیت و یک مصراع نیز از میان غزل‌های مختلف درج شده است که همگی از سعدی (د. ۶۹۴ق) است. دو بیت از یک ترجیع‌بند فخرالدین عراقی (۶۱۰-۶۸۸ق) نیز نقل شده است.

- برخی ابیات به احتمال زیاد در قالب قطعه هستند. هرچند که احتمال دارد شماری از آنها بخشی از یک قصیده یا غزل باشند، ولی مضمون این ابیات و جایگاه و نوع استفاده از آن در تقریظ، احتمال این را که قطعه‌ای سروده راقم باشد، تقویت می‌کند. مجموعه این موارد هشتاد و هشت بیت است. از میان این‌ها سیزده قطعه، هر یک دو بیت دارد و به‌غیر از دو بیت که از همام‌الدین تبریزی نقل شده است، احتمالاً از راقم تقریظند. اشعار دیگر در تعداد سه، چهار، پنج، هفت، هشت، نه و یازده بیت هستند. به‌غیر از سه بیت که از همام‌الدین تبریزی نقل شده است، احتمال این هست که دیگر ابیات از نویسنده تقریظ باشد. دو بیت و سه بیت منقول از همام‌الدین تبریزی برگرفته از یک قطعه هستند و یک بیت مشترک دارند.

- قالب بیست بیت را به‌طور دقیق نمی‌توان تعیین کرد. احتمالاً از متن یک قصیده، قطعه یا غزل و یا ترکیب‌بند و ترجیع‌بندی با مضامین قصاید و غزلیات انتخاب شده است. به‌غیر از یک بیت که دو بار تکرار شده، از محتوا و مضمون ابیات چنین برمی‌آید که از جنس غزل نیستند.

- شش بیت در قالب مثنوی در تقریظات به کار رفته است. دو بیت متوالی از بوستان سعدی، یک بیت از شاهنامه فردوسی (۳۲۹-۴۱۶ق)، یک بیت از ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی (زنده در ۴۴۶ق) است و سراینده دو بیت نیز شناخته نیست. هفت تک‌بیت مقلد نیز در تقریظات به کار رفته است. با توجه به مضمون و جایگاه بیت در تقریظ، احتمال دارد برخی از این هفت بیت سروده نویسنده هر تقریظ باشد. دو تک‌مصراع نیز در تقریظات آمده است.

- چهارده بیت و دو مصراع در قالب رباعی هستند. از این میان سه رباعی کامل است. یک رباعی کامل از مسعود سعد سلمان (۴۳۸-۵۱۵ق)، یک رباعی کامل از عطّار نیشابوری (۵۵۳-۶۲۷ق)، چهار بیت از خاقانی (۵۲۰-۵۹۵ق)، انوری (۵۸۳ق)،

مهستی گنجه‌ای (۴۹۰-۵۵۷ق) و سیدحسن غزنوی (د. ۵۶۵ق)، یکی از دو مصراع از فخرالدین عراقی و دیگر مصراع از سلمان ساوجی (د. ۷۰۹ق) است.

- از مهم‌ترین اشعار نویافته این تقریظات، دو بیت از فهلویات در تقریظ فخرالدین لر است:

کیان و اویمان دو زانستن روا نی زانک اویمان و کیان از هم ودانی
کیان و اویمان بهم بامیته شانی ندانم کیان کیان اویمان کیانی

مضامین اشعار

مضمون کلی اکثر اشعار، ذکر محاسن خواجه رشیدالدین فضل‌الله و بیان عظمت و اعتبار آثار اوست. طبیعی است که مضامین بیشتر حول محور آثار قلمی رشیدالدین فضل‌الله باشد. در کنار این موضوع اصلی، ابیات معدودی نیز در حمد خدا و نعت پیامبر و مباحث عرفانی و کلامی است. برای طبقه‌بندی دقیق‌تر مضامین اشعار، آنها را به سه دسته کلی تقسیم کرده‌ایم. دسته نخست اشعار بلندی که قطعاً یا به احتمال بسیار زیاد سروده راقم هر تقریظ است. از این میان، یک قطعه به‌طور کامل مضمون عرفانی دارد و بقیه در ذکر اوصاف تألیفات خواجه رشیدالدین فضل‌الله است. دسته دوم تک‌بیت‌ها و قطعه‌های کوتاهی هستند که در میان عبارات نثر آورده شده، و در پیوند با مضمون عبارات پیش یا پس از خود هستند. دسته سوم اشعاری هستند که نویسنده تقریظ از دیگر شاعران نقل کرده است. اشعار دسته دوم و اکثر اشعار دسته سوم کارکرد مشابهی دارند؛ اما از آنجا که احتمال می‌رود بخشی از اشعار دسته دوم سروده نویسنده تقریظات باشد، در دسته جداگانه‌ای بررسی می‌شود تا مضامین اشعاری که قطعاً نقل شده هستند، به‌طور جداگانه استخراج شود:

الف. اشعار نقل شده از دیگر شاعران

نوزده بیت از انوری در هفت تقریظ، هشت بیت و یک مصراع از سعدی در هفت تقریظ، شش بیت از عطار نیشابوری در یک تقریظ، پنج بیت از همام‌الدین تبریزی در دو تقریظ (به‌غیر از هفت بیتی که در تقریظ خود او آمده است)، دو بیت و یک مصراع از فخرالدین عراقی در دو تقریظ، دو بیت از مجیرالدین بیلقانی (۵۸۶ق) در یک تقریظ، دو

بیت از مسعود سعد سلمان در یک تقریظ، شش تکبیت از فردوسی، عنصری، خاقانی، سیدحسن غزنوی، مهستی گنجه‌ای و فخرالدین اسعد گرگانی و یک تک‌مصراع از سلمان ساوجی، مجموعه اشعاری است که در دواوین و منظومه‌های شاعران یافته شد. این اشعار در بخش پایانی مقاله آمده است. مضامین و موضوعات ابیات نقل شده از شاعران، به ترتیب بیشترین تکرار، از این قرارند:

- الف. ۱. مضامین مرتبط با آثار خواجه رشیدالدین: ۲۱ بیت
 - احتوای آثار خواجه رشیدالدین بر معانی و مفاهیم دقیق و ارزشمند: ۱۲ بیت در ۷ تقریظ
 - تحسین کلام و بیان خواجه رشیدالدین: ۷ بیت در ۶ تقریظ
 - تأثیر کلام خواجه رشیدالدین: ۲ بیت در ۱ تقریظ
- الف. ۲. مضامین مرتبط با اوصاف و احوال خواجه رشیدالدین: ۲۰ بیت و ۳ مصراع
 - ذکر عظمت و برتری مقام خواجه رشیدالدین: ۴ بیت و ۱ مصراع در ۴ تقریظ
 - وصف رای و علم و فضل خواجه رشیدالدین: ۴ بیت در ۳ تقریظ
 - بخشندگی خواجه رشیدالدین نسبت به مردمان و حسن خلق او: ۳ بیت و ۱ مصراع در ۴ تقریظ
 - دعای بقا و عزت و عون الهی برای خواجه رشیدالدین: ۲ بیت در ۲ تقریظ
 - عنایت و فضل الهی نسبت به خواجه رشیدالدین: ۲ بیت در ۲ تقریظ
 - ستودگی خواجه رشیدالدین: ۱ بیت
- الف. ۳. دیگر مضامین (مضامین عرفانی، نعت پیامبر، جزئی از زنجیره کلام): ۹ بیت
 - مضامین عرفانی: ۶ بیت در ۲ تقریظ
 - نعت پیامبر: ۲ بیت در ۱ تقریظ
 - جزئی از زنجیره کلام: ۱ بیت
- الف. ۴. مضامین مرتبط با نویسنده تقریظ:
 - کوچک شمردن خود در برابر خواجه رشیدالدین و بیان احتیاج نسبت به او: ۴ بیت و ۱ مصراع در ۲ تقریظ

ب. اشعار مستقل سروده شده برای درج در تقریظ

این دسته از اشعار در قالب‌های غزل، قطعه و قصیده هستند و با وجود پیوند با متن نثر، می‌توان آنها را در جایگاه شعری جداگانه، خارج از متن بررسی کرد. در پنج مورد، نویسنده تقریظ به این‌که شعر را سروده، تصریح کرده است و در هشت مورد به این نکته اشاره‌ای نشده است. بلندترین شعر در تقریظات قصیده‌ای بیست و شش بیتی است که نویسنده تقریظ، کمال‌الدین زنجانی، به سرودن آن تصریح کرده است. فخرالدین لر در قطعه‌ای نه‌بیتی، تخلص خود، «فخر لر» را آورده است. غزل هشت‌بیتی تقریظ محمدبن عبداللّه هاشمی قزوینی (زنده در ۷۰۶ق) به بیان نویسنده، از خود اوست. در تقریظ محمدبن محمودبن ابی‌بکر استرآبادی (زنده در ۷۰۶ق)، یک غزل هفت‌بیتی درج شده که نویسنده به سرودن آن اشاره کرده است. احتمال این هست که قطعه پنج‌بیتی این تقریظ نیز از نویسنده باشد. در تقریظ شرف‌الدین زاهد بسطامی (زنده در ۷۰۶ق) نیز قطعه‌ای یازده‌بیتی درج شده است؛ از یادکرد لقب خواجه رشیدالدین فضل‌الله و مضامین مرتبط با تألیفات او برمی‌آید که این قطعه سروده نویسنده تقریظ است. در تقریظ شمس‌الدین محمد مستخرج تبریزی (زنده در ۷۰۶ق) دو قطعه پنج‌بیتی و هشت‌بیتی و یک غزل نه‌بیتی آمده است. هرچند نویسنده اشاره‌ای به سراینده این اشعار نکرده است، اما از یادکرد نام و القاب خواجه رشیدالدین فضل‌الله و مضامین ابیات که جملگی در توصیف تصنیف و تألیف خواجه است، برمی‌آید که به احتمال زیاد خود او اشعار را سروده است. در تقریظ علی‌بن محمود بن عمر خراسانی یازری (زنده در ۷۰۶ق)، قطعه‌ای چهاربیتی درج شده است، که احتمالاً از نویسنده تقریظ است. این اشعار در بخش پایانی مقاله حاضر نقل شده است. دسته‌بندی مضامین این اشعار به شرح زیر است:

الف. ۱. مضامین مرتبط با آثار خواجه رشیدالدین: ۳۲ بیت

- احتوای آثار خواجه رشیدالدین بر معانی و مفاهیم دقیق و ارزشمند: ۲۰ بیت از ۷ شعر در ۵ تقریظ
- تحسین کلام و بیان خواجه رشیدالدین: ۸ بیت از ۳ شعر در ۲ تقریظ
- تأثیر کلام خواجه رشیدالدین: ۲ بیت از ۱ شعر
- ماندگاری تصانیف خواجه رشیدالدین: ۲ بیت از ۱ شعر

- الف. ۲. مضامین مرتبط با اوصاف و احوال خواجه رشیدالدین: ۴۷ بیت
- وصف رای و علم و فضل خواجه رشیدالدین: ۲۲ بیت از ۷ شعر در ۶ تقریظ
 - جایگاه خواجه رشیدالدین در احیای دین و ارشاد خلق: ۸ بیت از ۱ شعر در ۱ تقریظ
 - دعای بقا و عزت و عون الهی برای خواجه رشیدالدین: ۵ بیت از ۳ شعر در ۳ تقریظ
 - ذکر عظمت و برتری مقام خواجه رشیدالدین: ۴ بیت از ۳ شعر در ۳ تقریظ
 - بخشندگی خواجه رشیدالدین نسبت به مردمان و حسن خلق او: ۳ بیت از ۲ شعر در ۲ تقریظ
 - اقدام خواجه رشیدالدین در راه آبادانی: ۳ بیت از ۱ شعر در ۱ تقریظ
 - عنایت و فضل الهی نسبت به خواجه رشیدالدین: ۱ بیت در ۱ تقریظ
 - اقبال و ظفرمندی و حاجت‌روایی خواجه رشیدالدین: ۱ بیت در ۱ تقریظ
- الف. ۳. دیگر مضامین: ۱۶ بیت
- مضامین عرفانی: ۹ بیت از ۱ شعر در ۱ تقریظ
 - مدح سلطان: ۷ بیت از ۱ شعر در ۱ تقریظ

پ. ابیات پراکنده

تکبیت‌ها و تک‌مصراع‌ها و دو بیت‌ها و سه بیت‌های پراکنده‌ای هستند که در متن قرینه‌ای حاکی از انتساب آنها به نویسنده تقریظ وجود ندارد و در دواوین و منظومه‌های شعرای پیشین نیز یافت نشدند. دسته‌بندی مضامین این اشعار به این شرح است:

- پ. ۱. مضامین مرتبط با آثار خواجه رشیدالدین: ۲۶ بیت
- احتوای آثار خواجه رشیدالدین بر معانی و مفاهیم دقیق و ارزشمند: ۱۳ بیت در ۱۱ تقریظ (با احتساب یک بیت که در دو تقریظ آمده‌است)
 - تحسین کلام و بیان خواجه رشیدالدین: ۱۲ بیت در ۱۰ تقریظ
 - تأثیر کلام خواجه رشیدالدین: ۱ بیت در ۱ تقریظ

- پ. ۲. مضامین مرتبط با اوصاف و احوال خواجه رشیدالدین: ۴۰ بیت
- وصف رای و علم و فضل خواجه رشیدالدین: ۱۵ بیت در ۱۰ تقریظ
 - ذکر عظمت و برتری مقام خواجه رشیدالدین: ۱۳ بیت و ۱ مصراع در ۱۱ تقریظ (با احتساب دو بیت که هر کدام در دو تقریظ آمده است)
 - بخشندگی خواجه رشیدالدین نسبت به مردمان و حسن خلق او: ۵ بیت در ۵ تقریظ
 - دعای بقا و عزت و عون الهی برای خواجه رشیدالدین: ۴ بیت در ۴ تقریظ
 - ستودگی خواجه رشیدالدین: ۴ بیت در ۴ تقریظ
 - اقبال و ظفرمندی و حاجت‌روایی خواجه رشیدالدین: ۵ بیت در ۳ تقریظ
 - جایگاه خواجه رشیدالدین در احیای دین و ارشاد خلق: ۳ بیت در ۲ تقریظ
 - عنایت و فضل الهی نسبت به خواجه رشیدالدین: ۱ مصراع در ۱ تقریظ
- پ. ۳. مضامین مرتبط با گوینده: ۴ بیت
- وصف حال نویسنده در مقام نوشتن تقریظ: ۲ بیت در ۲ تقریظ
 - کوچک شمردن خود در برابر خواجه رشیدالدین و بیان احتیاج نسبت به او: ۲ بیت در ۲ تقریظ
- پ. ۴. دیگر مضامین: ۶ بیت
- وصف خدا: ۲ بیت در ۲ تقریظ
 - مضامین عرفانی: ۲ بیت در ۱ تقریظ (یک دوبیتی از فهلویات)
 - نعت پیامبر: ۱ بیت در ۱ تقریظ
 - وصف خرد: ۱ بیت در ۱ تقریظ

نتیجه‌گیری

از مقایسه‌ی بسامد مضامین به‌کار رفته در مجموعه‌ی اشعار تقریظات، این نتیجه حاصل می‌شود که اغلب اشعار از لحاظ مضمون در دو دسته‌ی پرکاربرد جای می‌گیرند: دسته‌ی نخست درباره‌ی کتاب خواجه رشیدالدین فضل‌الله و دسته‌ی دوم پیرامون مقام و شخصیت او. مقایسه‌ی

نهایی بسامد این دو، نموداری از زاویه نگاه نویسندگان نسبت به ماهیت کارشان در بهره‌گیری از اشعار در تقریظ است. البته این بسامدسنجی به‌طور کامل و دقیق، بر روی متن نثر کتاب نیز باید صورت گیرد که در حوزه بحث حاضر نمی‌گنجد.

جدول مقایسه بسامد مضامین	تعداد ابیات حول محور اثر	ابیات حول محور نویسنده
اشعار مستقل نویسندگان	۳۲	۴۷
اشعار نقل شده از دیگر شاعران	۲۱	۲۳
اشعار پراکنده	۲۶	۴۰
مجموع	۷۹	۱۱۰

چنان‌که از این مقایسه برمی‌آید، از میان دو مضمون پرسامد، بیشتر به شخصیت و مقام سیاسی و علمی خواجه رشیدالدین پرداخته شده است؛ لذا می‌توان نتیجه گرفت که هدف اصلی از به‌کارگیری اشعار در تقریظات، در درجه نخست، احترام نسبت به شخص خواجه رشیدالدین فضل‌الله و در درجه دوم، پرداختن به مقام و ارزش اثر اوست. این مقایسه در ارتباط با زمینه تاریخی اختلافات برخی بزرگان با خواجه رشیدالدین فضل‌الله و انتساب اسلام ریایی به وی، جالب توجه است.

متن اشعار مستقل سروده شده برای درج در تقریظ

الف. اشعاری که نویسنده تقریظ به سرودن آنها تصریح کرده است:

الف. ۱. همام‌الدین تبریزی

و چون بنده ضعیف همام التبریزی - أحسن الله عاقبته - در مطالعه این رسایل که وسایل اهل فضایل است، به مشارب معارف و حقایق، از آب حیات معانی سیراب شده، دو سه بیت در قلم آورد:

آب حیات در ظلمات است و سوی آن	جز خضر ره نیافت کس از خلق کاینات
تو آفتاب ملک‌ی و من در تعجبم	کز آفتاب گشت روان چشمه حیات
گر پرتوی ز نور درونش رسد به هند	خالی شود ز ظلمت اشراک سومنات

ای روح بخش تر سخنت ز آب زندگی
 حاصل شود به یک نفسی از اشارت
 غواص بحر در همه عمر آن گهر نیافت
 از آب علم بحر دلت باد موج زن
 این چهار بیت در دیوان او این گونه ضبط شده است:

و ای مفتحر به بندگی لهجه‌ات نبات
 دل را شفا و جان فرومانده را نجات
 کافشاند نوک کلک تو بر کاغذ از دوات
 تا هست سوی بحر روان دجله و فرات

آب حیات در ظلمات است و سوی آن
 گر پرتوی ز نور درونت رسد به هند
 ای روح بخش تر سخنت ز آب زندگی
 حاصل شود به یک نفس از یک اشارت

جز خضر ره نبرد کس از خلق کاینات
 خالی شود ز ظلمت اشراک سومنات^۱
 و ای مفتحر به بندگیت لهجه نبات^۲
 دل را شفا و جان فرومانده را نجات^۳

(همام‌الدین تبریزی، ۱۳۵۱: ۴۵)

الف. ۲. زین‌الدین محمدبن محمد کیشی قرشی

چون خدمتکار مخلص و چاکر متخصص بر جواهر زواهر و فراید فواید مخدوم اعظم،
 صاحب عدل اعلم، مخدوم سلاطین وزراء العالم، رشید الحق و الدین... مطلع شد... و به
 سعادت مطالعه آن مشرف گشت، چه دید... و در آن باب به گوش دل و جان از ملاً اعلی
 چه شنید؛

شعر

زنده گردانید عالم را دگر
 کرد احیاء علوم مکرده را
 علم سرّ غیب شد علم الیقین
 خواجه عارف جهان عقل و علم
 مهدی هادی رشید دین حق
 علم باد از او همیشه سرفراز

ز آسمان عیسی فرو آمد مگر
 از دم جانبخش خود بار دگر
 از اشارات و زیور دادگر
 مظهر حق مظهر سرّ قدر
 ملک را جان و دل و سمع و بصر
 عقل باد از او همیشه باظفر

۱. ضبط دو نسخه از تقریظات، با ضبط دیوان یکسان است.

۲. ضبط یک نسخه از تقریظات، با ضبط دیوان یکسان است.

۳. ضبط دو نسخه از تقریظات، با ضبط دیوان یکسان است.

الف. ۳. فخرالدین لر

موج‌هایی که بحر هستی راست ورچه آب و حباب دو نماید پس از این روی هستی اشیا که نماید ز دور آب و لیک پس عمارات هستی اشیا این خرابات اهل توحید است نیستی ساقی است و هستی نقل بی‌خودی مطرب است و شیفگی فخر لر این معاشرت آنجاست	جمله مر آب را حباب بود در حقیقت حباب آب بود راست چون هستی سراب بود چونکو بنگری بر آب بود چون بینی همه خراب بود که خطا اندر او صواب بود نقی ذات و صفت کباب بود زخمه و نغمه رباب بود که فنا جام و حق شراب بود
--	---

الف. ۴. کمال‌الدین زنجانی

در اثنای این تقریر از عکس پرتو کلمات توضیحات مخدوم - عز نصره - شعاعی بر خاطر این ضعیف افتاد و بیتی چند مناسب دست داد؛ چون استفاد از ارشاد این بارگاه داده بود - منه بدأ و الیه یعود - آن ابیات را با معاد فرستاد؛ مقبول و ملحوظ باد.

هزاران منت و شکر از خدایی فریدون فرّ نوشروان روانی جهان گیر الجتو سلطان که گردون پیمبر سیرتی بو بکر صدقی علی علمی حسن خلقی جوادی به کام جان خود جاوید بادا دعای الجتو سلطان چو گفتم رشید ملک و دین ای ملک و دین را فلک با صد هزاران دیده باز زهی حق کرده با نفست عطاها	که دین را داد عادل پادشایی سکنند در گهی فرمانروایی نیارد مثل او یوسف لقای عمر عدل و عطا عثمان حیایی چو حمزه شیردل در هر و غایی از این به در جهان نبود دعایی به دستور وی آرم التجایی نبوده چون تو هرگز کدخدایی ندیده مثل تو پاکیزه‌رایی که بیش از عالم آمد هر عطایی
---	---

گذشته بر متون سرّ آیات
 بطون اندر بطونش رفته دیده
 به الهام اله از علم اسما
 چو تصنیف تو هست اسرار قرآن
 نبی را و نبی را چون تو نشناخت
 محمّد را چنان تعریف کردی
 به توضیحات و ضّاح رشیدی
 به مفتاح تفاسیر از سر علم
 شکستی در دهن دندان بدعت
 قوی حقّی است این بر دین اسلام
 بماند در جهان تا نفخه صور
 بسی کردی عمارت های عالی
 هزارت خانقاه و مدرسه هست
 یکی را ربع مسکون عشر اوقاف
 ولی هرگز نماند آن به تصنیف
 بقایست لایزالی بیاد یارب
 ز رویش کرده کشف هر غطایی
 ز هر تحقیق و تدقیق صفایی
 شده وحدانیت هر مبتغایی
 گرش خوانم نبی نبود خطایی
 ز معروفان به عرفان پیشوایی
 کز آن برتر نباشد منتهایی
 شدی خلق جهان را رهنمایی
 میسر شد تو را فتح و غزایی
 زبان زآن بست هر هرزه درایی
 که باد از حق تو را بهتر جزایی
 تصانیف به هر شهری و جای
 که از شاهان نیامد زآن بنایی
 برابر مسجد و دار شرفایی
 یکی را خلد چون بستان سرایی
 که ماند این و یابد آن فنایی
 که هستی درخور زین سان بقایی

الف. ۵. محمّد بن عبدالله الهاشمی القزوینی

از رموز خزاین سرایر و کنوز دقایق ذخایر حظّ اوفر برداشتم، چه بحری دیدم مملو از
 نوادر جواهر... و چون عقود منظمّ که برداشته بودم، موجب نظام حال من شد این دعای
 منظوم از خاطر سر برزد:

شعر

ای ز نور رای تو ملک جهان آراسته عالم از احسان و عدلت چون جنان آراسته

ز اقتباس نور رایست جاودان آراسته	مهر و ماه آسمان ملک و دین در روز و شب
چون بنی آدم که هست از نور جان آراسته ^۱	ملک و دولت را ز لوح خاطر و قَاد تو
هم جهان علم و هم علم جهان آراسته	هم تصانیف تو هست آراسته زان واردات
از ره معنی که هستی بی گمان آراسته	قرب شش سالی بود کین بنده را باشد یقین
زاستفادت شد مرا جسم و روان آراسته	بنده چون در صورت علم تو آن معنی بدید
تا بود ز آن هفت آبا آسمان آراسته	باد یارب تا کند این چار ارکان مادری
در پناه جاه تو چون توأمان آراسته	ملک و دین و ملت اندر عدل و انصاف و امان

ب. اشعاری که بر اساس اشارات موجود در متن، به احتمال زیاد از نویسنده تقریظ است.

ب. ۱. شرف الدین زاهد بسطامی

چو چرخ بنده او گشت و هست جان سخن	ز راه نظم سرایم مدیح آنکه جهان
که آشکار بود بر دلش نهان سخن	سپهر مجد و معالی رشید دولت و دین
کمینه نکته خویش بود جهان سخن	چنانکه هست ز خلقش عبیر و مشک خجل
مگر که لفظ روانش بود روان سخن	مسیح وار کند مرده زنده از دم خویش
شریف ذهن لطیفش بود مکان سخن	اگر عقول علو سخن کنند طلب
که او زبان بگشاید کند بیان سخن	دهان عقل بخندد به کام دل از جان
که چون شده است پر از مغز استخوان سخن	به نزل فضل در ایام دولت او بین
زهی ز رمز تو در فجر آسمان سخن	ایا به فضل و بزرگی گرفته روی زمین
از اوست آنک بمانده است خود نشان سخن	به جز وجود کریمت که مردمی زو خاست

۱. در نسخه کتابخانه «نور عثمانیه»، به جای «ملک»، «ملت» ضبط شده است. هر چند به نظر می رسد در اصل همان «ملک» بوده و نونویس شده است. بر روی «را» نیز خط کشیده است و به این ترتیب، ضبطی به دست داده شده که از نظر معنا بر ضبط فوق ترجیح دارد:
ملت و دولت ز لوح خاطر و قَاد تو
چون بنی آدم که هست از نور جان آراسته

به موضعی که حدیثی ز معضلات رود
 بود اشارت سهل تو داستان سخن
 چو مردمی و چو عنقا سخن شدی پنهان
 اگر نبودی لفظ تو ترجمان سخن

ب. ۲. محمد بن محمود بن ابی بکر استرآبادی، قاضی ری

ب. ۱. ۲.

ای فضل تو عید اهل معنی
 وی منتهیان عالم غیب
 طبع تو که پهلوان فضل است
 از ذره حقیرتـر نمایم
 فضل تو فزون ترست هر دم
 لطف تو زیادت است هر روز
 وی روز فضایل تو نوروز
 در مکتب دانشت نوآموز
 بر لشکر جهل گشته پیروز
 بارای تو مهر گیتی افروز
 لطف تو زیادت است هر روز

ب. ۲. ۲.

ز تصنیف تو ای شاه افاضل
 به الفاظی که از سحر حالش
 جزالت‌های الفاظ و معانیش
 به کنه نکته‌هایش عقل درآک
 به برهان احتیاجت نیست در فضل
 علوم اولسین و آخرین را
 خدایت حافظ و دولت قرین باد
 روان دیدم دو صد بحر فضایل
 خجل شد هر زمان سبحان وائل
 نگرده مندرج اندر رسایل
 نیابده وگر جوید و سایل
 همین بس بر هنرهایت دلایل
 به آخر برده چون علم اوایل
 سعادت گشته از مکروه حایل

ب. ۳. علی بن محمود بن عمر خراسانی یازری

جهان ز فیض علوم تو آنچنان پر شد
 عروس شرمگن غیب اگرچه مستور است
 که هیچ اشعری ای دعوی خلا نکند
 به پیش خاطر تو پرده و حیا نکند

ذکاء خور نکند معضلات شب را حل اگر ضمیر تو اش یاری ضیا نکند
تو مقتدای جهانی و برخطر باشد هر آن کسی که تقیّل به مقتدا نکند

ب. ۴. شمس الدّین محمّد، مستخرج تبریزی

ب. ۱. ۴.

یکی شعر دیدم ز انشاء طبیعت چو گوهر که در مغز عنبر نشانی
تر و تازه همچون گل نوشکفته خوش و خوب چون روزگار جوانی
چو طبع تو در وی فنون لطافت چو ذات تو در وی هزاران معانی
به خطّی چو زنجیر مشکین مقید ولکن چو آب روان از روانی
سخن ز آسمان بر زمین آمد اول کنونش تو بر آسمان می‌رسانی

ب. ۲. ۴.

دی به وقت صبح باغی خوشتر از جان یافتم گلشنی راحت‌فزا چون روی جانان یافتم
رسته در وی مشک بر کافور و سنبل بر سمن و از شکوفه شاخ عودش عنبرافشان یافتم
شاهدان دیدم در او سیمین عذار و مشک خط کاندر آن خط چشم ابن‌المقله حیران یافتم
نسخه‌ای دیدم که هرچ آن دارد از هستی رقم سرّ هر یک را در آن پیدا و پنهان یافتم
عقل را چون خضر در ظلمات آن دلکش سواد تشنه‌لب در آرزوی آب حیوان یافتم
و اندر آن از آب حیوان صد هزاران چشمه بیش کان چنان هر چشمه‌ای صد بحر عمّان یافتم
مشکلات عقلی و نقلی که دارند اهل علم اندر آن دشوار هر یک نیک آسان یافتم
اول و آخر همه نعت کریم مصطفی و این چنین سر خاصه دستور ایران یافتم
خواجه عالم رشید دولت و دین کآسمان کسوت اقبال او را عطف دامان یافتم

ب. ۳. ۴.

ای کتاب حکمت را صد چو لقمان خوشه‌چین و ای نصاب دانشت را بوعلی صاحب‌زکات

کلك عالی سیرت جاریت اگر نه خضر شد
 آب حیوان از چه نوشد در سیاهی دوات
 کام فضل از لفظ عذب شگرافشان خوشت
 گشت شیرین همچو حلق خلق از قند و نبات
 باقوانین اصول دانشت در هر فنی
 حکمت یونانیان مانند به نوعی ترهات
 ای اشارات عیون حکمتت بحر شفا
 زبده تحصیل فکرت عین قانون نجات
 جامع اسرار تزلیلی و پر محصول کرد
 شرح الفاظ و جیز تو بسیط کائنات
 تهنیت گفتن به نوروزت نزید از خرد
 ای جهان را هر دمی صد عید و نوروز از لقات
 باد در تأیید و عزت عمر چندان پایدار
 کآدمی یادی کند در هیچ کاری از ادات

ب. ۵. احمد بن ابی القاسم بن ابی جعفر ساوی، قاضی ساوه

جاء او باد جاودان و جلال
 عزّ او باد بی کران و بقا
 دولت از موکبش مباد بری
 نصرت از رایتش مباد جدا
 ناصرش باد شهریار زمین
 حافظش باد کردگار سما
 پیش این حجّتش همیشه قوی
 پیش آن حاجتش همیشه روا

اشعار نقل شده موجود در دواوین و منظومه‌ها

الف. انوری

الف. ۱. در تقریظ رکن الدین مطرزی (زنده در ۷۰۶ق):

آن صاحبی که از پی تفویض و کسب ملک
 خاک درش ملوک جهان را نشیمن است
 آن پادشانشان که ز تمکین کلک اوست
 هر پادشا که بر سر ملکی ممکن است

(انوری، ۱۳۷۶: ۸۳-۸۴)

الف. ۲. در تقریظ رکن الدین مطرزی (زنده در ۷۰۶ق) و نیز تقریظ حیدر بن محمد

جلالی اصفهانی (زنده در ۷۰۶ق):

این چنین جنس سخن را من ندانم نام چیست
 نه نبوت می توانم گفتنش نه ساحری

(همان، ۴۷۱)

الف. ۳. در تقریظ شمس‌الدین محمود اصفهانی (زنده در ۷۴۶ق):

تا کسی ز آفرین سخن گوید سخن خلق آفرین تو باد
همه وقتی خدای عزّ و جل حافظ و ناصر و معین تو باد
(همان، ۱۱۷)

الف. ۴. در تقریظ عضدالدین عبدالرحمن بن احمد مطرزی (۷۵۳ق):

کلکش چه قایل است که صاحب‌قران نطق
یعنی که نفس ناطقه در جنبش الکن است
صوت صریر معجزش از روی خاصیت
در قوّت خیال چنان صورت افکن است
کاکنون مزاج جَذر اصم در محاورت
ده‌گوش و ده‌زبان چو بنفشه است و سوسن است
(همان، ۱۱۷)

الف. ۵. در تقریظ محمد بن محمد بن اسماعیل بن صاعد، قاضی اصفهان (زنده در

۷۰۶ق):

کو حیدر هاشمی و کو حاتم طی تا شیوه مردمی و مردی بیند
مصراع دوم در دیوان این‌گونه ضبط شده است: «تا ماتم مردمی و مردی دارند»
(همان، ۹۸۲).

الف. ۶. در تقریظ تقی‌شاه حسینی ابرقوهی (زنده در ۷۰۶ق):

هرچه یزدان ندهد بخت و فلک هم کار آن مرتبه دارد که بود یزدانی
(همان، ۴۸۱)
روح از نهیب آنک مگر وحی منزل است اندر فتد به سجده که سبحان لم یزل
(همان، ۲۹۲)

الف. ۷. در تقریظ محیی‌الدین، قاضی کرمان (زنده در ۷۰۶ق):

نشود کار عالمی به‌نظام گر نه پای تو در میان باشد

مصراع دوم در دیوان این‌گونه ضبط شده است: «که نه پای تو در میان باشد». دو نسخه - بدل، با صورت نقل شده در تقریظ یکسان است (همان، ۱۳۶).

تو هان و هان مبر این تحفه را به حضرت او

که نقدها نفایه است و ناقدی است بصیر

مکن که فکرت تو نیست مرد این دعوی

برو که خاطر تو نیست مرغ این انجیر

اگر مقصّر اندر ثنات معذورم

که خاطری است پریشان و فکرتی است قصیر

سخن به پایه قدرت نمی‌رسد ورنی

به قدر قوت و طاعت نمی‌کنم تقصیر

اگرچه هست بضاعت بضاعتی مزجات

به بی‌نیازی خود منگر این ز من پذیر

ابیات اول و دوم، در دیوان این‌گونه ضبط شده است:

که هان و هان مبر این شعر پیش خدمت او

که نقدهای نفایه است و ناقدی است بصیر

برو که فکرت تو نیست مرد این دعوی

برو که خاطر تو نیست مرغ این انجیر

(همان، ۲۵۲)

ب. سعدی

ب. ۱. در تقریظ شمس‌الدین محمود اصفهانی:

هیچ پیرایه زیادت نکند حسن ورا هیچ مشاطه نیاراید از این خوب‌ترش

در دیوان این‌گونه ضبط شده است:

هیچ پیرایه زیاد نکند حسن تو را هیچ مشاطه نیاراید از این خوب‌ترت

(سعدی، ۱۳۱۸: ۱۹)

ب. ۲. در تقریظ برهان الدین محمد بن ابی بکر بن عمر، قاضی مرو (زنده در ۷۰۶ق):
به لا قامت لات بشکست خرد به اعزاز دین آب عَزَى ببرد
نه از لات و عَزَى برآورد گرد که توریت و انجیل منسوخ کرد
(همو، ۱۳۱۶: ۵)

ب. ۳. در تقریظ عضدالدین عبدالرحمن بن احمد مطرزی:
کیست آن لعبت خندان که پری وار برفت که قرار از دل دیوانه به یکبار برفت
صورت یوسف نادیده صفت می کردیم چون بدیدیم زبان سخن از کار برفت
(همو، ۱۳۱۸: ۷۴)
هرگه که بر من آن بت عیار بگذرد صد کاروان ز عالم اسرار بگذرد
(همان، ۹۵)

ب. ۴. در تقریظ مجدالدین عبدالله بن عمر تبریزی (زنده در ۷۰۶ق):
ای از بهشت جزوی و از رحمت آیتی حق را به روزگار تو با ما عنایتی
(همان، ۶۲۸)

ب. ۵. در تقریظ برهان الدین عیبدالله عبری (۷۴۳ق):
خود کدام آیت لطف است که در شان تو نیست
در دیوان این گونه ضبط شده است:
و آن کدام آیت لطف است که در شان تو نیست (همان، ۶۹)

ب. ۶. در تقریظ حیدر بن محمد جلالی اصفهانی:
از آنچه فیض خداوند بر تو می پاشد تو نیز در قدم بندگان حق می پاش
در دیوان این گونه ضبط شده است:
وز آنچه فیض خداوند بر تو می پاشد تو نیز در قدم بندگان او می پاش
نسخه بدل با صورت نقل شده در تقریظ یکسان است (سعدی، ۱۳۲۰: ۱۳۰).

ب. ۷. در تقریظ احمد بن محمود دینوری (زنده در ۷۰۶ق):
دریای فضل را به حقیقت کنار نیست و هست نزد اهل حقیقت کنار اوست
در دیوان این گونه ضبط شده است:

دریای عشق را به حقیقت کنار نیست
 و هست پیش اهل حقیقت کنار اوست
 (همو، ۱۳۱۸: ۵۲)

پ. عطار نیشابوری

در تقریظ فخرالدین لر:

نه عقل به سرحد کمال تو رسد
 نه جان به سراچه وصال تو رسد
 اجزای جهان اگر همه دیده شود
 ممکن نبود که در جمال تو رسد
 بیت دوم در مختارنامه این گونه ضبط شده است:

گر جمله ذرات جهان دیده شود
 ممکن نبود که در جمال تو رسد
 (عطار، ۱۳۷۵: ۷۷)

غیری چگونه روی نماید چو هرچه هست
 عین دگر یکی است به بازار آمده
 زلف تو پیش روی تو افتاده دادخواه
 روی تو پیش زلف به زنهار آمده
 ای ظاهر تو عاشق و معشوق باطنت
 مطلوب را که دید طلب کار آمده؟
 بر خود پدید کرده ز خود سر خود دمی
 چندین هزار عالم اسرار آمده
 (همو، ۱۳۸۰: ۸۱۸-۸۲۰)

ت. همام الدین تبریزی

ت. ۱. در تقریظ علی بن محمود خراسانی یازری (زنده در ۷۰۶ق):

آنچه اسکندر میان تیرگی جست و نیافت
 در سواد جبر آن مکتوب مضمّر یافتم
 از ره تعظیم آن الفاظ گوهر بار را
 گاه بر لب گاه بر دل گاه بر سر یافتم
 (همام الدین تبریزی، ۱۳۵۱: ۱۸۵)

ت. ۲. در تقریظ سیف الدین، نبیره صدر جهان بخاری (زنده در ۷۰۶ق):

آب حیوانی که اسکندر به تاریکی نیافت
 در سواد حبر آن مکتوب مضمّر یافتم
 می شنیدم بوی آن انفاس از آن اوراق از آن
 دامن اندیشه راز او پر ز گوهر یافتم
 ز اشتیاق دست گوهر بارش آن الفاظ را
 گاه بر دل گاه بر لب گاه بر سر یافتم
 در دیوان این گونه ضبط شده است:

آنچه اسکندر به تاریکی همی جست و نیافت در سواد حبر آن مکتوب مضمیر یافتم
ز اشتیاق دست گوهر بارت آن مکتوب را گاه بر لب گاه بر دل گاه بر سر یافتم
(همانجا)

ث. فخرالدین عراقی

ث. ۱. در تقریظ فضل الله بن عمر ماکی (زنده در ۷۰۶ق):

تو برتر از آنی که ثنا در تو رسد (عراقی، ۱۳۸۲: ۳۵۵)

ث. ۲. در تقریظ فخرالدین لر:

از صفای می و لطافت جام در هم آمیخت رنگ جام و مدام
همه جام است نیست گویی می یا مدام است نیست گویی جام
(همان، ۱۳۲-۱۳۳)

ج. مجیرالدین بیلقانی:

در تقریظ محمد بن عماد نحوی تبریزی (زنده در ۷۰۶ق):

ای کلک تو بر عروس کاغذ صد عقد ز مشک نار بسته
دست و قلمت کلاله حور بر گردن آفتاب بسته
(مجیرالدین بیلقانی، ۱۳۵۸: ۳۲۵)

چ. مسعود سعد سلمان

در تقریظ فضل الله بن عمر ماکی:

هر جا که ز فضل پیشگاهی ست توی و آن یک تن تنها که سپاهی ست توی
گر دعوی عقل را گواهی ست توی و بر سخن از قیاس شاهی ست توی
در دیوان این گونه ضبط شده است:

هر جا که ز فضل پیشگاهی ست منم وین یک تن تنها که سپاهی ست منم
گر دعوی ملک را گواهی ست منم گر بر سخن از قیاس شاهی ست منم
(مسعود سعد، ۱۳۹۰: ۱۰۳۷)

ح. فردوسی

در تقریظ محیی‌الدین، قاضی کرمان:

بگشت از بر تیره خاک نژند
کز آن گه که بر چرخ مهر بلند

(فردوسی، ۱۳۸۶: ۸۶/۴)

خ. عنصری

در تقریظ عبدالله بن عمر ورزقینی:

چنین نمایند افکار فاضلان آثار
چنین کنند بزرگان چو کرد باید کار

در دیوان این گونه ضبط شده است:

چنین نمایند شمشیر خسروان آثار
چنین کنند بزرگان چو کرد باید کار

(عنصری، ۱۳۴۲: ۶۱)

د. خاقانی

در تقریظ مجدالدین عبدالله بن عمر تبریزی:

سبحان الله ز فرق سر تا قدمت
در قالب آرزوی ما ریخته‌اند

(خاقانی، ۱۳۸۲: ۷۱۸)

ذ. مهستی گنجه‌ای

در تقریظ محمد بن محمد بن اسماعیل بن صاعد، قاضی اصفهان:

آبیم نمود بس تَنک آتش عشق
چون پای در او نهادم از سر بگذشت

در دیوان این گونه ضبط شده است:

آبیم تَنک نمود بس آتش عشق
چون پای در او نهادم از سر بگذشت

(مهستی گنجه‌ای، ۱۳۸۲: ۱۴۷)

ر. فخرالدین اسعد گرگانی

در تقریظ محیی‌الدین، قاضی کرمان:

که چونین باد و چونین باد و چونین
ز من بنده دعا وز بخت آمین

در متن ویس و رامین، این گونه ضبط شده است:

هزاران بار چونین باد چونین دعا از من ز بخت نیک آمین
(فخرالدین اسعد، ۱۳۳۸: ۳۸۳)

ز. سید حسن غزنوی

در تقریظ علی بن محمود خراسانی یازری:

سر تا پایش ز یکدگر خوبتر است حیران شده ام که بر کجا گویم مدح

در دیوان این گونه ضبط شده است:

سر تا پایش^۱ ز یکدگر خوبتر است حیران شده ام که بر کجا بازم عشق
(سید حسن غزنوی، ۱۳۲۸: ۳۳۸)

ژ. سلمان ساوجی

در تقریظ فخرالدین لر:

ای باد صبا این همه آورده توست

(سلمان ساوجی، ۱۳۳۶: ۶۲۸)

منابع

- انوری، محمد بن محمد (۱۳۷۶). دیوان انوری، تصحیح محمدتقی مدرّس رضوی، تهران: علمی و فرهنگی.
- خاقانی، افضل الدین بدیل (۱۳۸۲). دیوان خاقانی شروانی، تصحیح ضیاء الدین سجّادی، تهران: زوّار.
- دانش پژوه، محمدتقی (۱۳۳۹). فهرست نسخه های خطی کتابخانه دانشکده ادبیات، تهران: دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۴۸). فهرست میکروفیلم های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، تهران: زوّار.
- رجب زاده، هاشم (۱۳۵۵). آیین کشورداری در عهد وزارت رشیدالدین فضل الله همدانی، تهران: توس.
- _____ (۱۳۷۷). خواجه رشیدالدین فضل الله، تهران: طرح نو.
- رشیدالدین فضل الله (۱۳۹۴). توضیحات رشیدی، تصحیح هاشم رجب زاده، تهران: میراث مکتوب.

۱. نسخه بدل: از سر تا پا

- سعدی، مشرف‌الدین مصلح بن عبدالله (۱۳۱۶). بوستان سعدی، تصحیح محمدعلی فروغی، تهران: بروخیم.
- _____ (۱۳۱۸). غزلیات سعدی، تصحیح محمدعلی فروغی، تهران: بروخیم.
- _____ (۱۳۲۰). مواعظ سعدی، تصحیح محمدعلی فروغی، تهران: بروخیم.
- سلمان ساوجی (۱۳۳۶). دیوان سلمان ساوجی، تصحیح منصور مشفق، تهران: صافی علیشاه.
- سیدحسن غزنوی (۱۳۲۸). دیوان سیدحسن غزنوی، تصحیح تقی مدرّس رضوی، تهران: دانشگاه تهران.
- عراقی، ابراهیم بن بزرگمهر (۱۳۸۲). کلیات فخرالدین عراقی، تصحیح نسرین محتشم (خزایی)، تهران: زوّار.
- عطار، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۰). دیوان عطار، تصحیح تقی تفضّلی، تهران: علمی و فرهنگی.
- _____ (۱۳۷۵). مختارنامه، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن.
- عنصری (۱۳۴۲). دیوان استاد عنصری بلخی، تصحیح محمد دبیرسیاقی، تهران: کتابخانه سنایی.
- فخرالدین اسعد گرگانی (۱۳۳۸). ویس و رامین، تصحیح مجتبی مینوی، تهران: کتابفروشی یهودا بروخیم و پسران.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶). شاهنامه، تصحیح جلال خالقی مطلق، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- مجیرالدین بیلقانی (۱۳۵۸). دیوان مجیرالدین بیلقانی، تصحیح محمد آبادی، تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران (دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز).
- مسعود سعد سلمان (۱۳۹۰). دیوان مسعود سعد سلمان، تصحیح محمد مهیار، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مهستی گنجه‌ای (۱۳۸۲). مهستی گنجه‌ای، بزرگترین زن شاعر رباعی سر، تصحیح معین‌الدین محرابی، تهران: توس.
- همام‌الدین تبریزی، محمد بن فریدون (۱۳۵۱). دیوان همام تبریزی، تصحیح رشید عیوضی، تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران (دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز).